

# گیلکی در ایرانیکا

## ایوب رسایی<sup>۱</sup>

دانش‌آموخته‌ی دکتری زبان‌شناسی همگانی از دانشگاه علامه طباطبایی

### چکیده

این مقاله واکاوی نوشتاری است درباره‌ی گیلکی که در جلد دهم دانشنامه‌ی ایرانیکا<sup>۲</sup> زیر مدخل «گیلان - زبان‌ها»<sup>۳</sup> آمده است. در این مقاله سعی شده است ضمن بازخوانی، نقد و بررسی آنچه در ایرانیکا آمده است، برخی از ویژگی‌های دستوری گیلکی - آن‌گونه که شایسته است - توصیف شود.

برآمد این واکاوی نشان می‌دهد که توصیف عرضه شده از گیلکی در دانشنامه‌ی ایرانیکا آن‌گونه که باید از عهده‌ی تبیین برخی از ویژگی‌های دستوری گیلکی برنیامده است؛ اما توصیف یاد شده - با توجه به حجم اختصاص‌یافته به موضوع - ارزشمند و درخور توجه است.

**کلید واژه‌ها:** تحولات در زمانی<sup>۴</sup>، واج‌شناسی<sup>۵</sup>، صرف<sup>۶</sup> و نحو<sup>۷</sup>

### ۱- پیشگفتار

علم بررسی زبان‌ها به‌ویژه زبان‌های ایرانی، در خارج از کشور رونق بسیار یافته است. مؤسسه‌ی "ماکس پلانک" - که شاید به نوعی بزرگترین مرکز بررسی زبان‌ها در اروپا باشد - هم‌اکنون بیش از ده طرح بزرگ زبان‌شناسی را در دست اجرا دارد. بررسی زبان‌های ایرانی شمال غربی زیر نظر پروفیسور دونالد/استیلو و بررسی گویش‌های داغستان زیر نظر پروفیسور کامری از آن جمله‌اند.<sup>۸</sup>

توصیفی که از گیلکی در جلد دهم دانشنامه‌ی ایرانیکا و زیر مدخل «گیلان - زبان‌ها» آمده است، تازه‌ترین نوشتار درباره‌ی این زبان به قلم یک اندیشمند غیرایرانی است. نگارش این بخش از ایرانیکا به دونالد استیلو، مسئول طرح بررسی زبان‌های ایرانی گروه شمال غربی، در مؤسسه‌ی ماکس پلانک واگذار شده است. استیلو در نوشتار خود که به نوعی چکیده‌ی پژوهش‌های وی در باره‌ی زبان‌های ایرانی شمال غربی است، سعی کرده است با توجه به حجم اختصاص یافته به مدخل گیلکی در ایرانیکا، توصیفی در خور سپاس از آن به‌دست دهد.

<sup>۱</sup> rassaei@valfajr.ir

<sup>۲</sup> ایرانیکا دانشنامه‌ای است که به همت و سرپرستی دکتر یارشاطر در حال تدوین است. نخستین جلد این دانشنامه در سال ۱۹۸۵ میلادی در امریکا منتشر شد. تاکنون دوازده جلد از ایرانیکا در امریکا و به زبان انگلیسی انتشار یافته است.

برای کسب اطلاعات بیشتر از این دانشنامه، ر. ک. [www.iranica.com](http://www.iranica.com)

<sup>۳</sup> GELAUN - X. Languages [www.iranica.com](http://www.iranica.com)

<sup>۴</sup> diachronic development

<sup>۵</sup> phonology

<sup>۶</sup> morphology

<sup>۷</sup> syntax

<sup>۸</sup> برای کسب اطلاعات بیشتر از این طرح‌ها به سایت اینترنتی مؤسسه‌ی ماکس پلانک با نام [www.eva.mpg.de/ligua](http://www.eva.mpg.de/ligua) مراجعه شود.

بررسی در زمانی ویژگی‌های آوایی این زبان، نکته‌بینی وی در طرح مسائل و از همه مهم‌تر توصیف هم‌زمان گیلکی غربی و شرقی از جنبه‌های بارز این نوشتار است.

ساختار محتوایی نوشته استیلو بیان‌کننده دانش قابل قبول وی از زبان‌های ایرانی شمال غربی به‌ویژه گیلکی است؛ اما نباید از یاد برد که هر زبان، ظرایفی دارد که بی‌شک از نگاه پژوهشگر غیربومی، پنهان خواهد ماند. آنچه پیش روی شماست واکاوی نوشتار یاد شده به‌قلم یک پژوهشگر بومی گیلک‌زبان است. تلاش بر این بوده است ضمن بازخوانی، نقد و بررسی آنچه در ایرانیکا آمده است، برخی از ویژگی‌های دستوری گیلکی - آن‌گونه که شایسته است - توصیف شود.

امید است به لطف تبادل اندیشه‌ها، دانش زبانی ما شکوفاتر و نوشته‌های ما به‌ویژه آنچه در باره زبان‌های ایرانی به رشته تحریر در می‌آید از غنای بیشتر برخوردار گردد.

## ۲- بازخوانی و نقد یافته‌ها

به منظور استفاده بهینه از مطالبی که استیلو در نوشتار خود مطرح کرده است و نظام‌مند کردن مقاله حاضر، بازخوانی و نقد یافته‌های وی، به تفکیک مقوله‌ها آن‌گونه که در اصل نوشتار آمده است، انجام می‌شود.

### ۲-۱ مقدمه

استیلو در مقدمه نوشتار خود، موضوع تنوع زبانی و پراکندگی زبان‌ها را در منطقه گیلان بررسی می‌کند. وی زبان‌های رایج در این منطقه را به سه زبان اصلی گیلکی، تالشی و رودباری و دو زبان فرعی کردی و تاتی و دو زبان غیرایرانی ترکی و رمانی (زبان کولی‌ها) تقسیم می‌کند.

استیلو پنج زبان ایرانی رایج در منطقه، یعنی گیلکی، تالشی، رودباری، کردی و تاتی را از خانواده زبان‌های ایرانی گروه شمال غربی می‌داند. نکته قابل بحث و جالب این بخش از نوشتار استیلو «زبان رودباری» است که وی درباره آن می‌نویسد:

زبان رودباری در اصل، زیرمجموعه زبان تاتی به‌شمار می‌رود که شدیداً تحت تأثیر زبان گیلکی قرار گرفته است (ص ۶۶۱).<sup>۱</sup>

نظر استیلو درباره زبان رودباری و یاد کردن از آن به مثابه یک زبان ایرانی شمال غربی در کنار زبان گیلکی و تالشی دست‌کم برای نگارنده این مقاله تازگی دارد. منطقه رودبار به‌همراه منجیل، گنجه و لوشان از مناطق جنوبی گیلان به‌شمار می‌رود. این ناحیه از اواخر دوره ساسانیان تا قرن‌ها بعد از اسلام آوردن ایرانیان، مسکن قوم دیلم بوده است که مردمان کوهپایه‌نشین گیلان بوده‌اند (اصلاح عربانی، ۱۳۷۴: ۲۴).

تنوع زبانی در این منطقه، بسیار چشم‌گیر است. مردم این منطقه در غرب، به گیلکی غربی، در شمال به گالشی و در مرکز و جنوب به تاتی و کردی صحبت می‌کنند. این تنوع به حدی است که انتخاب گویش معیار برای منطقه ناممکن است؛ چه رسد به آنکه مجموعه این زبان‌ها را آن‌گونه که استیلو فرض کرده است «زبان رودباری» بنامیم.

<sup>۱</sup> شماره صفحات ارجاعی مطابق با شماره‌های جلد دهم دانشنامه ایرانیکا است.

نکته‌ای دیگر که در مقدمه نوشتار استیلو نگاه هر خواننده‌ای را به خود جلب می‌کند، اشاره‌ی وی به عقب‌نشینی زبان گیلکی و تالشی از مناطق غربی گیلان است. به این اشاره استیلو باید اضافه کرد که گیلکی از دو جناح، مورد هجوم واقع شده است. شهرها و روستاهای کوچک غرب گیلان، یکی پس از دیگری در مقابل سیل هجوم مهاجرین ترک‌زبان، تسلیم زبان ترکی می‌شوند. در شهرهای بزرگ نیز گرایش به زبان فارسی شتاب بیشتری گرفته است. در خانه و مدرسه، کودکان و نوجوانان به‌سوی فارسی سوق داده می‌شوند و حتی از سخن گفتن به گیلکی منع می‌گردند. گویی همه عوامل درونی و بیرونی دست در دست هم داده‌اند تا این زبان از درون در فارسی و از برون در ترکی ذوب شود.

### ۲-۲ تحولات در زمانی

استیلو بعد از یک مقدمه کوتاه که نکات برجسته آن در بالا بازخوانی و نقد شد، مباحث اصلی نوشتار خود را با موضوع «تحولات در زمانی» آغاز می‌کند.

وی در ابتدا از تحول خوشه هم‌خوانی /dz/ ایرانی یاد می‌کند که در زبان‌های ایرانی گروه شمال‌غربی به /z/ و در زبان‌های ایرانی گروه جنوب‌غربی به /d/ تبدیل شده است. او واژه گیلکی /zama/ را از زبان‌های گروه اول و واژه فارسی /damad/ را از زبان‌های گروه دوم به نمونه می‌آورد.

استیلو همچنین از واج /w/ ایرانی یاد می‌کند که در زبان‌های ایرانی گروه شمال‌غربی به /v/ و در زبان‌های ایرانی گروه جنوب‌غربی به /g/ تبدیل شده است. وی برای نمونه از واژه گیلکی /višta/ با معادل فارسی /goresne/ یاد می‌کند.

استیلو در ادامه می‌نویسد که /v/ در زبان‌های ایرانی گروه شمال‌غربی در جایگاه آغازین، با /b/ در زبان‌های گروه جنوب‌غربی در همین جایگاه هم‌سان است. وی واژه‌های /baste/ و /barf/ فارسی را که از زبان‌های ایرانی گروه جنوب‌غربی است نمونه می‌آورد که معادل آنها در گیلکی - که از زبان‌های گروه شمال‌غربی است - به صورت /vəstə/ و /vərf/ می‌آید. استیلو اضافه می‌کند این تفاوت در جایگاه میانی و پایانی واژه‌ها نیز مشاهده می‌شود. واژه‌های گیلکی jurav (جوراب) و یا dəvəd (ببند) از این قبیلند.

یکی دیگر از اشاره‌های مهم وی در بخش تحولات در زمانی، تحول واج /č/ ایرانی در جایگاه پایانی است که در گروه شمال‌غربی به /z/ و در گروه جنوب‌غربی به /z/ تبدیل شده است. واژه‌های /duj/ و /suj/ گیلکی با معادل فارسی /duz/ و /suz/ از این نوع می‌باشند. در همین خصوص رسایی (۱۳۸۴: ۹۰) نیز مطلبی دارد که ذکر آن خالی از لطف نخواهد بود:

/č/ مادی در پارتی میانه و گروه کاسپی در موضع آغازین حفظ می‌شود. /č/ در موضع پایانی در زبان‌های گروه کاسپی تبدیل به /j/ می‌شود، مثل /paj/ که از /pač/ پارتی می‌آید و در زبان‌های این گروه به معنی پخت و پز است.

### ۲-۳ واج‌شناسی

موضوع بعدی نوشتار استیلو مقوله واج‌شناسی است. استیلو هم‌خوان‌های گیلکی را مشابه همخوان‌های فارسی می‌داند؛ فقط با این تفاوت که واج ملازی /q/ در همه جایگاه‌ها به‌صورت واج سایشی واک‌دار /ɣ/ تلفظ می‌شود.

داده‌های گردآوری شده از منطقه فومنات شامل شهرهای فومن، شفت و صومعه‌سرا که در رسایی (۱۳۸۴) آمده است، صحت گفتار استیلو را تأیید می‌کند.

نظر استیلو درباره واژه‌های گیلکی نیز جالب توجه است. وی قواعد ناظر بر این آواها را پیچیده و متفاوت با دیگر زبان‌های ایرانی می‌داند. استیلو ضمن اشاره به کریستن سن<sup>۱</sup> (۱۹۳۰) و راستارگویو<sup>۲</sup> (۱۹۷۱) که به ترتیب تعداد واژه‌های گیلکی را ۲۱ و ۹ آوا دانسته‌اند، می‌نویسد: به احتمال زیاد این واژه‌ها در گیلکی نباید بیش از شش و یا هفت واج باشد. او به صراحت نوع و تعداد واژه‌های گیلکی را مشخص نمی‌کند؛ ولی از مجموعه نوشتار وی چنین برمی‌آید که تعداد واژه‌ها را شش واج و متشکل از /i, e, ə, a, u, o/ دانسته است.

از میان پژوهشگران ایرانی، جهانگیری (۲۰۰۳) با نظر استیلو موافق است و رسایی (۱۳۸۴) نیز تعداد واژه‌های گیلکی را شش واج اما متشکل از /i, e, ə, a, u, o/ دانسته است.

## ۲-۴ صرف

استیلو مطالب این بخش از نوشتار خود را با مقوله «شمار» در گیلکی آغاز می‌کند. وی نشانه جمع در گیلکی غربی را /- an/، در لنگرودی /- ən/ و در لاهیجانی /- on/ معرفی می‌کند و اضافه می‌کند که این نشانه در گیلکی برای اسامی مفرد اعم از جان‌دار و بی‌جان یکسان است.

توضیح بیشتر آنکه نشانه جمع در اسامی ترکیبی اعم از مرکب، مشتق و مشتق‌مرکب به آخرین تک‌واژ گروه اضافه می‌شود.

مبحث بعدی این بخش از نوشتار، «نشانه مفعولی» در گیلکی است که استیلو در شرح آن می‌نویسد: نشانه مفعولی با واسطه و بی‌واسطه در زبان گیلکی یکسان و -ya/-ra است. برای اسامی‌ای که به واژه ختم می‌شوند و -ra برای ضمائر مفعولی اول و دوم شخص مفرد و همچنین ادوات استفهام ki (چه کسی) و ĉi (چه) به کار می‌رود. برای سایر مفعول‌ها از هر نوع که باشند، از نشانه -a استفاده می‌شود (ص ۶۶۲).

به باور نگارنده این مقاله - که خود از گویش‌وران بومی منطقه است - در گیلکی به‌ویژه در گونه غربی آن بعد از ادوات استفهام ki و ĉi نشانه -ra به کار نمی‌رود؛ بلکه از -a استفاده می‌شود. برای نمونه، جمله «چه کسی را می‌گویی» می‌شود: «ki-a gu-i» نه: «ki-ra gu-i».

استیلو در ادامه به بحث ضمیر در گیلکی می‌رسد. او ابتدا ویژگی‌های ضمیر را در این زبان برمی‌شمارد؛ آن‌گاه انواع آن را به تفکیک دو گونه غربی و شرقی در یک جدول آورده، درباره کارکرد هر یک توضیح می‌دهد.

<sup>۱</sup> آرتور کریستن سن ایران‌شناس نام‌آشنای دانمارکی است که توصیفی کوتاه، اما بدیع از گویش گیلکی رشت دارد. این اثر شامل دستور گیلکی، متن‌هایی به گویش رشت، هفت داستان کوتاه، سه قطعه شعر و فهرست کوتاهی از واژه‌های گیلکی است که به همت جعفر خمایی زاده (۱۳۷۴) و با عنوان «گویش گیلکی رشت» به فارسی ترجمه شده است.

<sup>۲</sup> راستارگویو از زبان‌شناسان معاصر روسیه است. حاصل تلاش وی و جمعی از اندیشمندان روسی کتاب ارزشمند «زبان گیلکی» (Gilyanskijazyk) است که در سال ۱۹۷۱ در مسکو منتشر شد. مقدمه این کتاب ابتدا به همت محسن ابوالقاسمی (۱۳۵۰) ترجمه و در نشریه سخن دوره ۲۱ به چاپ رسید. مدنی، اندیشمند فقید گیلانی، نیز در باره این کتاب مقاله مفصلی دارد که در گیلان‌نامه (۱۳۷۴) آمده است.

استیلو ضمیر فاعلی سوم شخص مفرد در گیلکی غربی را /a/ می‌داند که به باور نگارنده این مقاله نیاز به توضیح بیشتر دارد.

ضمیر فاعلی سوم شخص مفرد به همراه صورت جمع آن در گیلکی به دو صورت حاضر و غایب به کار می‌رود. برای ضمیر فاعلی سوم شخص مفرد حاضر از /a(n)/ و برای صورت غایب آن از /u(n)/ استفاده می‌شود. برای ضمیر فاعلی سوم شخص جمع حاضر نیز از /ašan/ و برای صورت غایب آن از /ušān/ استفاده می‌شود. در حالت مفعولی و ملکی نیز این ویژگی تکرار می‌شود.

استیلو در ادامه بحث به مقوله ضمیر انعکاسی در گیلکی پرداخته و می‌نویسد:

ضمیر انعکاسی در زبان گیلکی دو گونه است. /xu(o)/ و /xud/ که دومی برگرفته از فارسی است. /xu(o)/ در گیلکی فقط برای سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع به کار می‌رود. برای سایر اشخاص از ضمیر شخصی و یا از ضمیر انعکاسی /xud/ استفاده می‌شود.

وی برای این ضمیر در گیلکی نقش تأکیدی نیز قائل شده است. به باور نگارنده این مقاله، کارکرد ضمیر انعکاسی در گیلکی، با آنچه استیلو می‌گوید اندکی متفاوت است. در گیلکی فقط یک نوع ضمیر انعکاسی وجود دارد که "ضمیر مشترک" هم نامیده می‌شود. این ضمیر در گیلکی فقط برای سوم شخص مفرد و سوم شخص جمع به کار می‌رود که در حالت مفرد به صورت /xo/ و در حالت جمع به صورت /xušan/ ظاهر می‌شود.

mo:sən xora aliki zəmin bəza. محسن خودش را عمداً به زمین زد.

ušān xušane kara danədə. آنها کار خودشان را بلدند.

برای سایر اشخاص از صفت ملکی مؤکد استفاده می‌شود.

mən me kara danəm. من کار خودم را می‌دانم.

te per bu. پدر خودت بود.

ویژگی دیگر این ضمیر، آن است که در گیلکی نقش تأکیدی ندارد. آنچه مسلم است در فارسی از ضمیر انعکاسی در نقش تأکیدی نیز استفاده می‌شود. ضمیر انعکاسی در این نقش یا بلافاصله پس از فاعل می‌آید؛ مثل جمله «تو خودت آن را برداشتی» یا پس از مفعول واقع می‌شود؛ مانند «تو آن را خودت برداشتی» و یا اینکه با ساخت اضافه و قبل از گروه اسم به کار می‌رود؛ مثل جمله «خود تو آن را برداشتی».

قواعد صرفی زبان گیلکی اجازه ایفای چنین نقشی را به ضمیر انعکاسی نمی‌دهد. برای مثال در جمله‌های «تو خودت آن را برداشتی» و «تو آن را خودت برداشتی» کلمه «خودت» ترکیبی از ضمیر انعکاسی خود + ضمیر شخصی پیوسته است که به صورت واژه‌بست به آن وصل شده است. با توجه به اینکه گیلکی ضمیر شخصی پیوسته ندارد، نمی‌تواند این ساخت را داشته باشد.

در جمله «خود تو آن را برداشتی» نیز «خود تو» ساخت اضافه است که از ترکیب مضاف + پیونده اضافه + مضاف‌الیه به دست می‌آید. از آنجا که ساخت اضافه در گیلکی برعکس این ترکیب است، چنین ساختی نیز در گیلکی مجاز نیست.

نتیجه آنکه، ضمیر انعکاسی در گیلکی بر خلاف نظر استیلو نمی‌تواند نقش تأکیدی داشته باشد و اگر در گفتار برخی از گویشوران دوزبانه چنین ساختی مشاهده می‌شود، بدون شک برگرفته از زبان فارسی است. از دیگر مباحث شاخص نوشتار استیلو در بخش صرف، توصیف ترکیب وصفی و اضافه است که در این باره می‌نویسد:

صفت و اضافه در زبان گیلکی قبل از اسم می‌آیند؛ مثل ترکیب وصفی seb sorx-ə و یا ترکیب اضافه hasən-ə xanə. پیونده دوسازه، واکه خنثی /ə/ است (ص ۶۶۲).

نظر استیلو در باره یکسان بودن پیونده دوسازه درست نیست. به نظر می‌رسد وی مانند بسیاری از پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی به اشتباه پیونده وصفی و اضافه را در زبان گیلکی یکی دانسته است. نشانه حالت اضافه در گیلکی، پیونده /-e/ است که اگر هسته به واکه ختم شود، حضوری ناپیدا خواهد داشت.

sək-e dum	دم سگ
te dəs	دست تو

تقریباً تمامی کسانی که در باره زبان گیلکی مطلبی نوشته‌اند، پیونده اضافه را در این زبان با پیونده وصفی همسان و /-ə/ دانسته‌اند.

حقیقی (۱۳۷۰) و رسایی (۱۳۸۴) از پژوهشگرانی هستند که بین این دو پیونده تمایز قائل شده‌اند. پاره گفتار نمونه زیر به خوبی نشان‌دهنده تفاوت پیونده اضافه و وصفی در زبان گیلکی است:

'gav -e čum	چشم گاو (ساخت اضافه)
	چشم درشت و برآمده /
gav -ə 'čum	چشمی به مانند چشم گاو (ساخت وصفی)

همان‌طور که از نمونه بالا پیداست، علاوه بر تفاوت معنایی، جایگاه تکیه نیز در این دو ساخت، متفاوت است. بحث استیلو درباره حرف اضافه در گیلکی نیز بسیار جالب توجه است. او می‌گوید گیلکی در اصل، زبانی «پس اضافه» است و اگر امروزه شاهد هستیم که بعضی از حروف، قبل از اسم می‌آیند نتیجه تأثیر و نفوذ فارسی در این زبان است. وی حروف ta, be, az را از این دسته می‌داند. نگارنده این مقاله نیز گیلکی را زبانی پس اضافه می‌داند و لازم می‌بیند در تکمیل گفتار استیلو اشاره کند که حرف اضافه be در گیلکی کاربردی ندارد و خاص دوزبانه‌هاست. گیلکان یک‌زبانه همچنین به جای حرف اضافه az از je استفاده می‌کنند. نتیجه آن که تنها مورد استثنا، حرف ta است که در گیلکی پیشایند است.

<sup>1</sup> postposition

ولایی (۱۳۷۵: ۵۸) نیز حرف اضافه را در مازندرانی، گونه آملی از نوع پسایندی دانسته و تنها مورد استثنا را حرف اضافه ta معرفی می‌کند.

توضیح بیشتر آنکه حرف اضافه ta در گیلکی در چهار معنی و کارکرد، یعنی علت یا سبب، التزام، تردید و غایت حرف ربط است و فقط در یک معنا که نقش مقصدنما دارد، حرف اضافه به‌شمار می‌آید.

از فومن تا رشت را با دوچرخه می‌روم.      fumən ta rəšta čərx-e mərə šom.  
تا صبح گریه کرد.      ta sub vang bəza.

در پاره گفتارهای نمونه /ta/ حرف واژگانی است که حد آخر زمان یا مکان را نشان می‌دهد. حرف /ta/ در این کارکرد به گروه اسمی پس از خود نقش معنایی مقصد می‌دهد؛ از همین روی قبل از گروه اسم واقع می‌شود.

## ۲-۵ نحو

استیلو در این بخش، شیوه ترکیب واژه‌ها در ساخت واحدهای بزرگ‌تر و شناخت قواعد حاکم بر این ساخت‌ها را در گیلکی معرفی می‌کند. پرداختن به موضوع‌هایی چون «ریشه افعال»، «پیشوندهای فعلی» و «زمان» در گیلکی از نکات بارز این بخش از نوشتار اوست که شرح آن در زیر می‌آید. استیلو، ستاک گذشته فعل در گیلکی را حاصل یکی از فرایندهای زیر می‌داند:

### الف) وند افزایی

pres. root + əst      jav + əst → javəst      جویدن  
pres. root + d      man + d → mand      باقی ماندن

### ب) وندکاهی

pres. root → n      hin + n → hin      خریدن

### پ) تغییر ریشه‌ای

pres. root + various changes      kob → koft      کوبیدن

به گفته‌های ایشان باید اضافه کرد که فعل گذشته ساده در گیلکی از ترکیب پیشوند  $^1bv$  + ستاک گذشته به‌همراه شناسه‌های مخصوص این زمان به‌دست می‌آید. در افعال پیشوندی که از ترکیب پیشوند و فعل ساده ساخته می‌شوند، پیشوند  $bv$  اجازه ظهور ندارد.

kəftən	bv + kəft	bəkəft	افتادن (فعل ساده)
du-kudən	∅ + dukud	dukud	پوشیدن (فعل پیشوندی)

استیلو در بحث مربوط به پیشوندهای فعلی در گیلکی متأسفانه اطلاعات چندانی به‌دست نمی‌دهد. وی به مانند دیگران فقط به معرفی پیشوندها بسنده کرده، از عرضه کردن تحلیل محتوایی یا ساختاری پرهیز می‌کند.

او پیشوندهای گیلکی را به شرح زیر معرفی کرده، اضافه می‌کند از بین آنها پیشوندهای  $dv$ ،  $fv$  و  $jv$  در گیلکی بسیار کارآمد و پیشوندهایی چون  $va$  و  $ta$  کاربرد محدودی دارند.  
 $də$ ,  $di$ ,  $du$ ,  $fa$ ,  $fə$ ,  $fi$ ,  $fu$ ,  $jə$ ,  $ji$ ,  $ju$ ,  $va$ ,  $vi$ ,  $a$ ,  $i$ ,  $u$ ,  $ca$ ,  $cu$ ,  $ta$   
 آنچه باید به نظر استیلو درباره پیشوندهای فعلی گیلکی اضافه شود، آن است که متأسفانه تاکنون بررسی جامع و کاملی درباره عملکرد این نوع پیشوند در گیلکی انجام نشده است. همه اطلاعات زبان‌شناسی ما از این مقوله دستوری آن است که این پیشوندها از نوع فعلی بوده، با پیوستن به افعال ساده، معانی تازه و متنوعی به‌دست می‌دهند.

از ویژگی‌های ساختاری آنها نیز آن است که فقط از یک هم‌خوان و یک واکه تشکیل می‌شوند.<sup>۲</sup> هم‌خوان در این خوشه همیشه ثابت است، اما واکه تحت تأثیر فرایند هماهنگی واکه‌ای با واکه پایه هماهنگ می‌شود.

kudən	کردن	$fv$ - kudən → fu- kudən	ریختن
xuftən	خوابیدن	$jv$ - xuftən → ju- xuftən	قایم شدن

همان‌طور که از نمونه‌های بالا پیداست، از ترکیب این نوع پیشوند با فعل ساده گیلکی، فعل پیشوندی گیلکی به‌دست می‌آید. یکی از راه‌های تشخیص فعل ساده از فعل پیشوندی، استفاده از تک‌واژ منفی‌ساز  $/nv/$  است. این تک‌واژ در فعل ساده به اول فعل اضافه می‌شود؛ ولی در فعل پیشوندی بین پیشوند و فعل ساده قرار می‌گیرد.

xuftən	nu- xuftən	nu-xus	خفتن (ساده)
du-kudən	du-n(u)-kudən	dun(u)kun	پوشیدن (پیشوندی)

<sup>۱</sup> در این ترکیب  $v$  نشانه واکه است.

<sup>۲</sup> پیشوندهای  $a$ ,  $i$ ,  $u$  به‌ظاهر از یک واکه تشکیل شده‌اند؛ ولی در واقع به لحاظ آوایی متشکل از یک هم‌خوان و یک واکه‌اند ( $?a$ ,  $?i$ ,  $?u$ ).



فعل پیشوندی در گیلکی بر حسب آنکه بخش فعلی آن دارای معنا باشد یا نباشد، به دو دسته کامل و ناقص تقسیم می‌شود.

čuməsən	خم شدن	→	fučuməsən	دولا شدن (کامل)
mištən	-	→	dimištən	ادرار کردن (ناقص)

«زمان در گیلکی» دیگر مقوله نحوی مورد بحث/استیلو است که به نظر می‌رسد نارسایی بسیار داشته باشد. وی طی دو جدول جداگانه، چگونگی صرف افعال را در زمان‌های مختلف گیلکی شرقی و غربی نشان می‌دهد. در جدول‌های ارائه شده، ساخت گذشته‌نقلی با گذشته ساده یکسان است. برای زمان آینده هم، ساختی را معرفی می‌کند که برگردان ساخت آینده در فارسی است. در گذشته نیز برخی چون پورریاحی (۱۳۵۰) به صراحت و برخی دیگر مثل رسولی موسوی (۱۳۷۷) با تردید، وجود ساخت گذشته‌نقلی را در گیلکی رد کرده‌اند.

در این خصوص ذکر چند نکته ضروری می‌نماید: اول آنکه در گیلکی، گذشته‌نقلی صورتی از نمود کامل است که برای اشاره به عملی که در گذشته رخ داده ولی اثر آن هنوز باقی است، به کار می‌رود. از این زمان برای نشان دادن حالت استمرار ایستایی بعضی از فعل‌های لحظه‌ای در زمان حال نیز استفاده می‌شود. دیگر اینکه از گذشته ساده در گیلکی برای بیان حالت یا عملی که در گذشته به پایان رسیده است، اشاره به واقعه‌ای که بلافاصله روی خواهد داد و جمله شرطی که به عملی در گذشته اشاره کند استفاده می‌شود. نتیجه آنکه به لحاظ کارکرد و القای مفهوم بین این دو ساخت در گیلکی تفاوت وجود دارد. این دو زمان به لحاظ ساختاری نیز متفاوت هستند. حقیری (۱۳۷۱) برای گذشته‌نقلی در گیلکی ترکیب زیر را معرفی می‌کند:

ستاگ گذشته + وند شخصی + نشانه ماضی نقلی (ə)، مثلاً ə + am + binivišt (نوشته‌ام).

جعفری (۱۳۸۰) نیز به ساختی از گذشته‌نقلی اشاره می‌کند که از ترکیب صفت مفعولی فعل به همراه صیغه مضارع ساده فعل «داشتن» به دست می‌آید که در بین قشر جوان و تحصیل کرده رایج است. وی نمونه‌های زیر را مثال می‌آورد:

boxorde + darəm	خورده‌ام
dukude + darəm	پوشیده‌ام

رسایی (۱۳۸۴: ۱۴۵) نیز بحث مفصلی در باره ساخت گذشته‌نقلی در گویش فومنات دارد. او این ساخت را حاصل فرایند زیر و به شرح جدولی که پی آن آمده است، می‌داند:

ابتدا پسوند نقلی ساز /-ə/ به صیغه‌های گذشته ساده فعل مورد نظر افزوده می‌شود. هم‌زمان تکیه از هجای پایانی به هجای ماقبل آخر تغییر مکان می‌دهد. تغییر جایگاه تکیه باعث می‌شود که واکه /ə/ در شناسه‌های اول شخص مفرد، سوم شخص جمع و همچنین در پسوند نقلی ساز سوم شخص مفرد در جایگاه قلّه هجا قرار

بگیرد. وقوع واکه /ə/ در قله هجا عمل فراگویی را مختل می‌سازد و این مغایر با اصول آواشناختی است؛ از این رو واکه مزبور به‌طور طبیعی بازتر شده، در قالب واکه /ʌ/ نمود می‌یابد. در دوم‌شخص مفرد نیز بین شناسه /i/ و پسوند نقلی‌ساز /ə/ واج /š/ قرار می‌گیرد که نقش میانجی دارد.

معادل فارسی	گذشته نقلی	افزودن پسوند نقلی‌ساز ə	صیغه‌های گذشته
باز کرده‌ام.	vʌku'dʌmə	vʌku'dəm+ə	vʌku'dəm
باز کرده‌ای.	vʌku'diʃə	vʌku'di+ə	vʌku'di
باز کرده است.	vʌku'de:	vʌ'kud+ə	vʌ'kudø
باز کرده‌ایم.	vʌku'dimə	vʌku'dim+ə	vʌku'dim
باز کرده‌اید.	vʌku'didə	vʌku'did+ə	vʌku'did
باز کرده‌اند.	vʌku'dʌdə	vʌku'dəd+ə	vʌku'dəd

وی اضافه می‌کند:

در سراسر استان گیلان به‌ویژه در انزلی، جوانان از ساخت دیگری نیز برای بیان مفهوم نقلی استفاده می‌کنند که مشابه ساخت‌های نقلی در زبان‌های اروپایی از جمله آلمانی و انگلیسی است. این ساخت از ترکیب صفت‌مفعولی + صیغه‌های حال فعل داشتن به‌دست می‌آید.

خورده دارم. (خورده‌ام)      boxordə + dʌrəm.  
 خورده داری. (خورده‌ای)      boxordə dʌri.

نظر استیلو در بارهٔ زمان آینده در گیلکی نیز با اشکال روبروست. او برای آینده، ساختی را معرفی می‌کند که به نوعی برگردان ساخت آینده در زبان فارسی است و فقط در کلام گویش‌وران دوزبانه یافت می‌شود. زبان گیلکی در واقع ساخت مشخصی برای زمان آینده ندارد. مفهوم آینده را در این زبان با استفاده از زمان حال ساده بیان می‌کنند که اغلب با قید زمان همراه است. اگر منظور بیان قصد و نیت و یا پیش‌بینی وقوع عملی از روی شواهد باشد، از افعال کیفی با مفهوم ارادی مثل فعل «خواستن» استفاده می‌شود. با توجه به آنچه گفته شد به‌نظر می‌رسد توصیفی که /استیلو/ از مقولهٔ زبان در گیلکی به‌دست می‌دهد نارساست و نیاز به تبیینی تازه دارد.

استیلو در پایان به بعضی از تفاوت‌های گیلکی غربی و شرقی اشاره می‌کند و نوشتار خود را با بحث نفوذ فارسی در گیلکی به آخر می‌برد. به باور وی تأثیر زبان فارسی بر گیلکی آنچنان است که در نگاه اول به‌نظر می‌رسد گیلکی گونه‌ای از فارسی باشد.

با توجه به حجم اختصاص یافته به مدخل گیلکی در دانشنامهٔ ایرانیکا وی توانسته است توصیف قابل‌قبولی از گیلکی به‌دست دهد. آنچه کار او را از کار سایرین متمایز می‌سازد، توصیف هم‌زمان ویژگی‌های دستوری گیلکی شرقی و غربی است.

استیلو در مؤسسه «ماکس پلانک» مسئول طرح «بررسی زبان‌های ایرانی شمال‌غربی» است؛ از همین روی نوشتار وی از دقت و نکته‌بینی قابل توجهی برخوردار است؛ اما نباید هیچ‌گاه از یاد برد که هر زبان ظریفی دارد که ممکن است از نگاه پژوهش‌گر غیربومی پنهان بماند. بسیاری از نارسایی‌هایی که در کار استیلو به چشم می‌خورد ناشی از منابعی است که مورد استفاده قرار گرفته است. به یقین، اگر وی به پژوهش‌های دانشگاهی که اخیراً درباره گیلکی انجام شده است، دسترسی می‌داشت، نوشتار وی صلابت بیشتری می‌یافت. در هر صورت باید خیلی خوشحال بود که پژوهشگری در آن‌سوی جهان، زبان گیلکی را این‌گونه دقیق توصیف می‌کند و از طرفی باید نگران بود؛ زیرا توصیفی که در ایرانیکا از گیلکی شده است، نارسایی‌هایی دارد که می‌توانست نداشته باشد.

### منابع

- اصلاح عربانی، ابراهیم (۱۳۷۴)، کتاب گیلان، تهران: گروه پژوهشگران ایران.
- پورریاحی، مسعود (۱۳۵۰)، بررسی گویش گیلکی رشت، رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- جعفری، نصرالله (۱۳۸۰)، زمان و نمود در عبارت فعل گویش گیلکی رودسری، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- جکتاجی، م.پ. (۱۳۷۴-۱۳۶۹)، گیلان‌نامه، مجموعه مقالات ایران‌شناسی، رشت: انتشارات طاعتی.
- جهانگیری، نادر (۲۰۰۳)، گویش گیلکی لاهیجان، توکیو: انتشارات مرکز بررسی‌های فرهنگ اسلامی و مطالعات ایرانی.
- حقیری، مصطفی (۱۳۷۱)، بررسی گروه اسم و گروه فعل گویش گیلکی صومعه‌سرا، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- رسایی، ایوب (۱۳۸۴)، گویش گیلکی فومنات، رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- رسولی موسوی، مهناز (۱۳۷۷)، توصیف ترکیبات اضافه و وصفی در گویش گیلکی لاهیجان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۷۴)، گویش گیلکی رشت، ترجمه خمایی‌زاده، تهران: انتشارات سروش.
- مرعشی، احمد (۱۳۶۳)، واژه‌نامه گویش گیلکی، رشت: انتشارات طاعتی.
- ولایی، مجید (۱۳۷۵)، بررسی اجزای کلام در گویش مازندرانی شرقی، لهجه آملی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.

- Stilo, Donald, *Gilan –Languages, Iranica* Vol. 10, Pages 660 – 668

[www.eva.mpg.de/lingua](http://www.eva.mpg.de/lingua)

[www.iranica.com](http://www.iranica.com)

[www.iranica-sf.org](http://www.iranica-sf.org)